



مقصود برسانم. آنچه محقق شده، ۲۰ درصد چیزی است که در ذهن داشتم ولی باید به ۸۰ درصد برسد تا ایده آل باشد و در شأن این فرهنگ و کشور. هنوز با برنامه‌ای که داشتم فاصله دارم. برای همین تلاش می‌کنم امروز مثل دیروز نباشد. اگر امروز به اداره بیایم و مثل دیروز باشم، احساس خسران می‌کنم.

● در تحقق ۸۰ درصدی چه موانعی داشتید؟

زمان. بعضی از موارد باید در طول زمان حل شود نباید عجله کرد که یک شبه افکار را تغییر دهید. یک شبه بگویید من را قبول کنید. نه، باید تلاش هایت نشان دهد کسی هستی که می‌توانی انجام بدهی و به تو اعتماد کنند. زمان مهم‌ترین مانع است.

● احتمالاً به عنوان یک زن این زمان برای شما طولانی تر هم شده است؟

ممکن است، ولی به هر حال ۲۴ ساعت است بیشتر نمی‌تواند باشد.

● در این سال‌ها پرونده‌ای بوده که خیلی‌ها اذیتان کرده باشد با همان نگاه مادرانه؟

بله زیاد بوده، به ویژه پرونده‌هایی که مثلاً باید از یکی از والدین جدا می‌کردیم چون وجود آن بچه در کنار آن والد، برایش خطر دارد.

● هیچ وقت تهدید شده‌اید؟

اسمش را تهدید نمی‌گذارم. کار من داد ستاندن است؛ یعنی داد مردم را باید بستانم، این دادها قرار نیست که همیشه حرف‌های خوبی باشد، گاهی وقت‌ها باید فرصت بدهم به دیگران. یکی از کارهایی که دارم ایجاد میزهای گفت‌وگوی مشترک است. می‌نشینیم صحبت می‌کنیم با هم. قضاوت یک طرفه هیچ وقت شیرین نیست. تهدیدها و توهین‌ها را می‌گذارم به حساب اینکه می‌خواهند حرفشان را بگویند، به من نگوید به چه کسی بگوید!

● به خانم‌ها توصیه می‌کنید بیایند سمت قضاوت؟

اگر برای جایگاه می‌آیند، نیایند، ولی اگر دیدگاهشان خدمت مؤثر است بیایند. اگر دارای ایده و برنامه نیستند، نیایند. اگر برای کسب درآمد می‌آیند، نیایند. اصلاً قضاوت برای کسب درآمد نیست، نمی‌گویم نباید این باشد، اما هدف این نباید باشد. اگر هدف کسب درآمد دارند ترجیحاً به سمت وکالت بروند.

داد و من روی پرونده‌اش تحلیلی نوشتیم که مبتنی بر صحت ادعایش بود و بعد ادعایش اثبات شد و در رأی تأثیرگذار بود. این الزام وجود دارد، به ویژه در این قسمت‌ها، که خانم‌ها بدانند امنیت دارند و می‌توانند حرفشان را بزنند. در دادگاه‌های کیفری یک و دو، دادگاه‌های خانواده، دادسراها، دادگاه‌های نوجوانان و سرپرستی باید خانم‌ها حضور داشته باشند. ما اینجا برای دادگاه سرپرستی یک خانم گذاشته‌ایم. دادگاه سرپرستی دورا چون در کشور ابلاغ بازپرسی و رئیس شعبه را فقط به آقایان می‌دهند به آقایان سپردم تا از درگاه پدرانگی وارد شوند تا توجه‌شان را به بچه‌ها جلب کنند و آرای متفاوتی به بچه‌ها بدهند که کمک کننده باشد. قسمت‌هایی که مرتبط با زنان است، باید الزاماً خانم قاضی باشد. بچه‌ها با خانم قاضی ارتباط بهتری می‌گیرند، خانم‌ها هم همین‌طور و حتی سالمندان.

● شما شوق زندگی را برای کودکان راه‌انداختید. برای بانوان نمی‌خواهید اقدامی مشابه انجام دهید؟

شوق زندگی تنها به حوزه بچه‌ها محدود نمی‌شود و برای زنان و آسیب‌های اجتماعی نیز فعالیت دارد. اما امیدوارم که این ایده و تفکر که الحمدلله اجرا شد و جای خودش را پیدا کرد، باعث شود که الگوهای دیگری هم در بخش‌های دیگر داشته باشیم. من معتقدم که می‌شود محاکم دیگری را نیز مدل‌سازی کرد و از مدل‌های سنتی خارج شد.

● چه مدل‌هایی؟

فرق می‌کند. قطعاً در جرائم اقتصادی هم می‌شود مدلی ارائه کرد که هم از این جرائم پیشگیری کند و هم برخوردی انجام دهد که صرفاً نگاه برای امروز نباشد، بلکه برای یک مدت زمان مشخص در کشور باشد. این قطعاً به یک مشاور نیاز دارد، کسی که حقوق خوانده باشد. به نظر من وقتی یک نفر بیست سالش است و جرم اقتصادی سنگین می‌کند، ممکن است خطاهایی داشته باشد، ولی می‌توان از تجارب او استفاده کرد.

با مثلاً در حوزه خانواده هم به همین شکل، در حوزه خانواده به شدت معتقدم که سیستم دادگاه خانواده خیلی باید تغییر کند. من الان واقعا تمرکز روی موضوع اطفال و نوجوانان است تا بتوانم مدل شوق زندگی را به

● انجام این فعالیت‌ها چه تأثیری در کارتان داشت؟

خیلی کمک می‌کرد که صبح وقتی سرکار می‌رفتم، خسته و کوفته نباشم، ظهر تبدیل به یک مردنشوم و بچه‌ها بهم مادر بودنم را تجربه کنند.

● این مرد شدن خیلی در خانم‌های کارمند در حال رخ دادن است!

بله، خیلی خطرناک است و خوب نیست و باید از آن دوری کرد. باید تجربه نگاری کرد و به خانم‌ها گفت. من می‌دیدم خیلی از همکارانم با وجود اینکه توانمند و باسواد بودند، اما به خاطر همین مسئله مرد بودن در زندگی‌شان دچار چالش شده بودند. باید در کارتان عدالت را برقرار کنید. معتقدم ما قاضی واقعی در دنیا نداریم و قاضی واقعی یکی است و آن هم خداست. ما فقط می‌توانیم وضعیت یک رفتار را تصمیم‌گیری کنیم، ولی اینکه نیت آن چه بوده و چه دلایلی باعث آن شده، آن‌ها را واقعا خداوند قضاوت خواهد کرد. خدا به ما کمک کند هم دانش و بینش داشته باشیم و هم بتوانیم گرد و غبار را از روی عدالت برداریم چون معتقدم عدالت مزه دارد و شیرین است.

● با تمام این اوصاف چقدر ضرورت دارد که قاضی‌ها زن هم باشند؟

به شدت. خاطر من است که به یک خانمی تجاوز شده بود و از آن تجاوز فیلم داشت. خانم محترمی هم بود و به دادگاه کیفری که سه قاضی مرد حضور داشتند، رفته بود. او گفته بود که نمی‌تواند فیلم را به آن‌ها نشان دهد؛ زیرا خجالت می‌کشد و باید یک زن فیلم‌ها را ببیند. فیلمش را به من نشان

